

کار بست نظریه منطق گفتگویی باختین در مناظرات امام صادق علیه السلام با ابن ابی العوجاء *

اسماء ایرانمنش^۱ / احمد زارع زردینی (نویسنده مسئول)^۲ / کمال صحرایی^۳

چکیده

یکی از راهبردها و ابزارهای مبارزاتی و تبلیغی امام صادق علیه السلام با توجه به وجود جریان‌ها و نحله‌های دینی، سیاسی و فرهنگی زمانه مناظره است که با سازوکارهای زبانی و غیرزبانی مختلف در جهت ارتباط با فرد مقابل برآمده و به دفاع از اندیشه اسلامی در پرتو گفتگو در تعامل پرداخته‌اند. نظریه گفتار یا منطق گفتگویی میخائیل باختین از رویکردهای جدید در خوانش و نقد متون است. باختین نظریه خود را بر مؤلفه‌هایی استوار کرده که در شکل‌گیری سخن و گفته مؤثرند. وی گفتار را دارای زمینه غیرزبان‌شناختی و بافت می‌داند و در حیطه فرازبان‌شناسی به مطالعه گفتار می‌پردازد. این مقاله پس از معرفی مختصر نظریه گفتار باختین به عنوان یک مدل برای فهم بهتر روایات به بررسی مؤلفه‌های گفتار در مناظرات امام صادق علیه السلام با ابن ابی العوجاء پرداخته و با روش توصیفی - تحلیلی نقش هر یک از این مؤلفه‌ها را در فهم جامع‌تر متن مناظرات بیان می‌کند.

کلیدواژه: امام صادق علیه السلام، مناظره، باختین، گفتار، ابن ابی العوجاء.

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۶؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه مپید E: airanmanesh302@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه مپید E: zareardini@meybod.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه مپید E: sahraei@meybod.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از جریان‌های فکری که به صورت سازمان یافته در زمان امام صادق فعالیت گسترده‌ای داشت، جریان الحاد و مادیگری است که ریشه در گذشته و حتی جاهلیت دارد. ابن‌ابی‌العوجاء در زمان امام صادق چنین گرایشی داشته و بارها با امام به مناظره پرداخته است. امام نیز مناظره را راهبردی منطقی برای مرزبندی اندیشه تشیع با الحاد و تعامل با مادیگران در نظر گرفته و با این روش مبانی الحاد و مادیگری را به چالش کشیده و به بیان عقاید ناب اسلامی به ویژه توحید می‌پردازد.

یکی از بایسته‌های پژوهش در موضوع حدیث ارائه بحث‌های بنیادی و نظری است که بتواند نوع نگاه به پدیده حدیث را تعمیق دهد، در ضمن این‌که ناظر به میزان دخالت و اثر حواشی یک متن و ورود برخی مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... در تولید یک متن باشد. یک مدل و روش منسجم که در شناخت حدیث و بررسی انواع حدیث می‌توان ارائه داد، روش منطق گفتگویی باختین است. توجه به مؤلفه‌های گفتار در بررسی انواع روایات می‌تواند به بازسازی محیط، سیاق، عناصر دخیل و شرایط صدور و تولید روایات برای فهم بهتر آن کمک کند. یکی از اهداف این روش آن است که نشان دهد یک متن ناظر به چه گفتارها، اعمال، رفتارها و یا متونی و با چه هدفی ایجاد شده است، اگر چه اثری از آنها در متن حاضر وجود ندارد و از متن نشانگرهای بیرونی را شناسایی کرده، نشان می‌دهد چه طور عناصر بیرونی یک متن همانند مکان، زمان، مخاطب، گوینده، شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... در متن متبلور شده و خودشان را نشان خواهد داد.

نظریه منطق گفتگویی باختین به معرفی مؤلفه‌های گفتار می‌پردازد و گفتار را موجودیتی ورای زبان‌شناسی معرفی می‌کند، در پی عوامل تشکیل دهنده یک گفته یا سخن است که در فهم یک سخن اثر خود را نشان داده و با بازسازی فضای صدور و توجه به شرایط تولید یک گفته، سعی در نشان دادن سهم هر یک از مؤلفه‌ها در تشکیل و فهم گفتار دارد. منطق گفتگویی محصول نگاه اجتماعی به زبان است. همچنان‌که به قول فوکو: «سلطه در زبان، تولید و بازتولید می‌شود» (انصاری، ۱۳۸۴، ش، ۱۱).

این مقاله با هدف شناخت و فهم بهتر و جامع‌تر متن مناظرات با استفاده از روش‌های نوین دست به خوانشی جدید از مناظرات امام صادق با ابن ابی العوجاء می‌زند، ضمن بیان نظریه گفتگومندی باختین و ارائه روش وی در تحلیل گفتگو به عنوان مدل و الگوی تحلیل در جهت خوانش (فهم) حدیث و معرفی مؤلفه‌های گفتار باختین، هر یک را در این مناظرات بررسی می‌کند، سعی در بومی‌سازی این روش بر همه متون کهن و تاریخی به ویژه حدیث دارد و به پاسخ تفصیلی این سؤال می‌پردازد که نقش مؤلفه‌های منطق گفتگویی باختین در فهم بهتر متن مناظرات چیست؟ به نظر می‌رسد که بررسی هر یک از مؤلفه‌های گفتار باختین در متن مناظرات به فهم هر چه بیشتر و بهتر آن کمک کرده و عوامل و شاخص‌های تشکیل دهنده یک گفتار در مناظرات به وضوح قابل بررسی و تحلیل است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی‌های زیادی بر روی مناظرات امام صادق در ابعاد گوناگون صورت گرفته است؛ اما مهمترین آنان که مشابه موضوع این گفتار است، مقاله تحلیل گفتمان احتجاجات و مناظره‌های امام صادق (۱۳۹۶) از مجیدی و اعتضادی فر است که در آن به صورت کلی به مباحث تحلیل گفتمان در همه مناظرات امام پرداخته شده است؛ در مقاله کاربست روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در مناظره امام صادق با عمرو بن عبید معتزلی (۱۴۰۰) روش انتقادی فرکلاف بر روی مناظره با ابن عبید بررسی شده است. همچنین مقالات چندی در تحلیل خود از روش باختین استفاده کرده‌اند، یکی از مهمترین آنان با رویکرد اسلامی مقاله نقد و بررسی خطبه قاصعه نهج البلاغه در پرتو نظریه منطق گفتگویی باختین (۱۳۹۹) از ستاری و مجیدی است که مؤلفه‌های گفتگویی باختین را در خطبه قاصعه امام علی (ع) بررسی کرده است. اما این روش بیشتر بر روی متون ادبی کار شده است و کمتر پژوهشگران از این روش در متون اسلامی و تاریخی استفاده کرده‌اند.

با توجه به پیشینه ذکر شده تاکنون پژوهشی مستقل بر روی مناظرات امام صادق و ابن ابی العوجاء با رویکرد منطق گفتگویی باختین صورت نگرفته است.

۳. درآمدی بر نظریه گفتار یا گفتگومندی باختین^۱

باختین از جمله اندیشمندانی است که به سخن، نگاهی فراتر از کلمات و واژگان داشت و گفتار را تک بعدی و در سطح قواعد واج شناسی نمی‌دانست. وی معتقد بود زبان شناسی ابزاری برای دستیابی به اهداف فرازبان شناسی است.

زبان شناسی با واژگان و دستورهای نحوی شروع و به جمله ختم می‌شود؛ ولی مطالعات فرازبان شناختی ابتدا با جمله‌ها و زمینه اظهار سروکار دارد و در انتها به گفتار می‌رسد. لذا باختین به سخن و گفتار، فراتر از یک جمله نگاه می‌کرد و معتقد بود که گفتار، بخشی پنهان با خود دارد که برای درک درست یک سخن باید به بازسازی شرایط صدور سخن و آوای گوناگونی که در پدید آمدن آن مؤثرند توجه کرد.

«برای این که فهم فعال و زنده‌ای از معنای یک گفته و سخن در هنگام بازآفرینی یک واقعه وجود داشته باشد، باید روابط متقابل گویندگان آن بازآفرینی شود و این در دوباره بازی کردن آن واقعه اتفاق می‌افتد. کسی که گفته و سخن را می‌فهمد، حامل نقش شنونده است و آن را بازی می‌کند. وی برای انجام نقش خود باید نسبت به وضعیت دیگر مشارکت جوین در بازی درک واضح و روشنی داشته باشد» (تودوروف به نقل از باختین، ۱۳۷۷، ۹۸).

ازین رو به بررسی شرایط تحقق یک گفته برمی‌آید.

باختین گفتار را تنها ماده زبان شناختی نمی‌داند و آن را دارای زمینه اظهار که غیرزبانی است می‌داند. زمینه غیرزبانی گفتار، از نظری شامل افق مکانی-زمانی (کرونوتوپ) و موضوع مورد بحث هم سخنان، دانش مشترک و ارزیابی مشترک یا رابطه افراد هم کلام است.

با اظهار یک گفتار، موجودیتی نه در زبان بلکه در ارتباط کلامی به وجود می‌آید، پس بستر یک گفتار اجتماع است. وی مهم‌ترین خصلت گفتار را اجتماعی بودن معرفی می‌کند و آن را ناشی از دو چیز می‌داند. گفتار همواره خطاب به کسی ایراد می‌شود و گوینده خود موجودی اجتماعی است. گفتار بینافردی است، سخن تنها به گوینده تعلق

۱. قابل ذکر است که معرفی این نظریه و مؤلفه‌ها و شاخص‌های گفتار در این قسمت، برداشتی آزاد از فصل چهارم کتاب منطق گفتگویی میخائیل باختین از تزوتان تودوروف است. البته فقط به نظریه گفتار از این کتاب پرداخته و وارد بقیه نظریات باختین نشده است.

ندارد و شنونده در ایفای آن نقش دارد. از این سخن باختین، نقش گوینده و مخاطب در شکل‌گیری گفتار مشخص می‌شود.

وی مضمون گفتار را متشکل از اشکال زبانی (کلمات، اشکال صرفی، نحوی، آواها، آهنگ و نواخت) و فرازبانی موقعیت موجود می‌داند و ادامه می‌دهد که نادیده گرفتن عوامل فرازبانی باعث عدم فهم گفتار خواهد شد.

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که باختین در شکل‌گیری گفتار برشمرده، جنبه ارزشی گفتار و نقش افق ایدئولوژیک گویندگان و شنوندگان گفتار است.

وی دو ویژگی حالت (حرکت دلالترانه بدن) و آوا را جزء امکانات غیرزبانی برای بیان ارزش‌ها و قضاوت ارزشی را جزء افق‌های مشترک هم‌سخنان معرفی می‌کند؛ همچنین آهنگ را که از تماس مستقیم گوینده و شنونده حاصل می‌شود، جزء ویژگی‌های زبانی بیان آوایی در ارزیابی اجتماعی مؤثر می‌داند؛ نقشی دوگانه برای آهنگ در نظر می‌گیرد که یا به سوی شنونده است برای ایفای نقش موافق و شاهد، یا به سوی موضوع گفتار است آن گونه که گویی این موضوع شرکت‌کننده سوم و حاضر در گفتار است. آهنگ گفتار با موضوع گفتار بدرفتاری کرده یا آن را محفوظ می‌کند یا آن را خوار می‌دارد و یا ارتقا می‌دهد. گفتار دو وجه دارد: وجهی که از زبان ناشی می‌شود و تکراری است، و وجهی که از بافت و زمینه گزاره ناشی می‌شود و منحصر به فرد است. ممکن است برای شکل‌گیری گفتار، از واژگان و کلمات تکراری با قواعد مشابه استفاده شود؛ اما شرایط تحقق یک گفته و گویندگان و شنوندگان و مکان و زمان برای هر گفته، منحصر به فرد است و هر گفته بافت و شرایطی مختص به خود دارد که تکرارنشده است.

از ویژگی‌های مهم دیگر گفتار، تناسب با گوینده است یا تناسب با موضوع؛ همچنین گفتار با گفتارهای از قبل تولید شده وارد گفتگو می‌شود.

ویژگی بعدی گفتار در نظر باختین ارتباط هر گفتار با پاره‌گفتارهای پیشین است که این مناسبات را روابط بینامتنی می‌نامد. در نهایت باختین پنج مشخصه بنیادی را برای گفتار معین می‌کند.

وجود حد و مرز در گفتار که با تغییر عاملین گویندگان همراه است، کمال درونی هر گفتار، گفتار بیانگر فاعل خود است و در سخن شفاهی آهنگ بیانگرانه شخص است، گفتار در مناسبت با گفتارهای گذشته و آینده شکل می‌گیرد و در نهایت گفتار خطاب به کسی ادا می‌شود.

کمال گفتار به یک معنا، جنبه درونی تغییر فاعل سخن است و نشانه تشخیص کمال گفتار در امکان پاسخ به آن یا در تحقق امکان پاسخ به آن است. سه عامل در تعیین کمال گفتار نقش دارند. در سطح موضوع که کامل پرداخته شده باشد یا قصد کلامی گوینده ایفا شده باشد و یا اشکال نوعی گفتار (ر.ک تودوروف، ۱۳۷۷، ۸۹-۱۱۷).

۴. امام صادق علیه السلام و مناظره

امام صادق علیه السلام در طول حیات خویش با افراد، شخصیت‌ها، ادیان و نحله‌های گوناگونی مواجه بودند که با هر کدام به شیوه‌ای برخورد می‌کردند. یکی از روش‌هایی که امام در برخورد با مخاطبان خویش استفاده می‌کردند روش مناظره است. مناظره یک روش تاریخی است که ائمه در جهت پیشبرد مقاصد خود از آن بهره می‌بردند. مناظره در اصل با هدف روشن شدن حقیقت بین دو شخص یا دو گروه مناظره کننده برگزار می‌شود. در مجمع البحرین به معنی مجادله (طریحی، ۱۳۶۲، ذیل واژه نظر) و در لغت‌نامه دهخدا «با هم نظر کردن» یعنی فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی و با هم بحث کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۳۷، ذیل واژه).

یکی از تفکرات خطرناکی که در زمان امام صادق علیه السلام رواج پیدا کرد، بحث الحاد و مادگیری است. در این دوران گروهی با نام زنادقه به انکار خدا و ادیان آسمان می‌پرداختند. این گروه در همه جا حتی مسجد الحرام و مسجد النبی حاضر می‌شدند و با آزادی و پشتیبانی از سوی دستگاه خلافت، عقاید الحاد و مادگیری را گسترش می‌دادند (مطهری، ۱۳۸۶، ۱۱۳۱). اینان علاوه بر زیر سؤال بردن و ایجاد شک در اعتقادات مسلمانان، به جعل احادیث، ساختن افسانه‌ها و قصه‌های دروغین، ساختن و پرداختن افراد و عناصری که

وجود خارجی نداشتند، ترجمه کتاب‌های گمراه‌کننده به زبان عربی و نشر و پخش آن‌ها در میان مردم می‌پرداختند (رفیعی، ۱۳۸۶، ۷۳).

مبارزه با تفکرات مادیگرا و اندیشه‌های الحادی یکی از اساسی‌ترین محورهای فعالیت‌های فرهنگی امام صادق (ع) بود؛ چرا که این افکار به سرعت در حال تبلیغ و گسترش بودند. امام فعالیت‌های گوناگونی در مواجهه با این گروه داشت که می‌توان سخنرانی و توصیه‌ها و بیانات ایشان در زمینه مباحث اعتقادی همانند مباحث مرتبط با توحید، مناظرات رسمی ایشان با سران و بزرگان مادیگرا همانند اشخاصی مثل ابن ابی العوجاء، ابن مقفع، زندیق مصری به نام عبدالملک و... را یاد کرد. همچنین می‌توان به گفتگوهای یاران و شاگردان امام با این افراد و ارشادها و نصایح موردی آن حضرت در مواجهه با اشخاص متفاوت اشاره کرد. امام در تمام این برخوردها و مناظرات، با بیانی روشن و منطقی استوار، مبانی اعتقادی اسلام را تبیین و تشریح و ادعای خصم را ابطال و او را در برابر حق وادار به اقرار و اعتراف می‌کرد (رفیعی، بی تا، ۴۱).

۵. ابن ابی العوجاء

عبدالکریم، ابن ابی العوجاء یکی از سران مادی‌گرا بود که در قرن دوم زندگی می‌کرد و نسب او از قبیله بکرین وائل است (بلاذری، ۱۹۹۸م، ج ۳، ۱۰۵). ابن کثیر نام او را محمد و ابن ندیم نام او را نعمان یاد کرده است (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ۱۲۱؛ ابن ندیم، ۱۳۳۶، ۶۰). وی را شاگرد حسن بصری یاد کرده‌اند، اما در بحث جبر و اختیار با وی دچار اختلاف شد، لذا او را ترک کرد (مفضل، بی تا، ۴۱).

وی با هم‌کیشان خود همواره به دنبال یافتن تناقض در قرآن بود و به استهزاء مسلمانان در مراسم حج می‌پرداخت، اما گاهی اظهار اسلام نیز می‌گرد، لذا سید مرتضی وی را همانند منافقان خطری بزرگ می‌دانست (سیدمرتضی، ۱۹۹۸م، ج ۱، ۱۲۸).

او بسیار نزد امام صادق (ع) برای بحث و مناظره می‌رفت و سعی در محکوم کردن ایشان داشت که هرگز موفق نشد. بیشتر مباحثی که بین او و امام رد و بدل شد، حول محور توحید و خداشناسی است. از این رو مشخص است که وی ملحد بوده و در نهایت نیز

ملحد از دنیا رفت، چرا که امام در مورد او آورده است که او نسبت به اسلام کوردل است و هرگز ایمان نمی‌آورد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۷۸).

هرچند که ابن ابی‌العوجاء سعی در نشان دادن انواع استدلال و دلایل کلامی و فلسفی برای مباحث خود داشت، اما مباحث وی عقلانی و بر پایه حقیقت نبود، بلکه ناشی از تعصب و وابستگی وی به افکار و عقاید گذشتگان بود. با این وضعیت امام صادق علیه السلام باز هم با او بحث می‌کردند و اجازه اظهار عقیده حتی اجازه ارائه افکار متعصب و غرض‌آلود را می‌دادند و نمی‌گذاشتند که سؤال یا نکته‌ای برای او مبهم بماند، حتی او را تشویق به پرسیدن می‌کردند. امام شیوه بحث او را مورد انتقاد قرار می‌داد و می‌کوشید با ارائه استدلال‌های عقلی و منطقی و بیان نمونه‌های تجربی و تمثیلی به جای استفاده از مباحث پیچیده و اصطلاحات دشوار، پاسخ ابن ابی‌العوجاء را بدهد (عظیم‌زاده، ۱۳۸۵، ۹۱). بحث و مناظرات امام با وی در منابع متقدم شیعه به شرح ذیل ذکر شده است و به خواننده توصیه می‌شود قبل از ورود به بحث اصلی پژوهش به مطالعه مناظرات امام و ابن ابی‌العوجاء بپردازد.

التوحید (مفضل)، ص: ۴۰

الکافی (کلینی)، ج ۱، ص: ۷۷

التوحید (صدوق)، ص: ۲۹۶

تهذیب الأحکام (طوسی)، ج ۷، ص: ۴۲۱

الأمالی (طوسی)، ص: ۵۸۱

الإحتجاج علی أهل اللجاج (طبرسی)، ج ۲، ص: ۳۵۴ و ۳۳۳

مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (ابن شهر آشوب)، ج ۴، ص: ۲۵۷

الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (مفید)، ج ۲، ص: ۲۰۱

۷. واکاوی و تحلیل مؤلفه‌های گفتار باختین در مناظرات

باختین در نظریه خود آورده است برای فهم بهتر یک سخن باید به بازسازی فضایی که گفتار در آن تولید شده پرداخت و مؤلفه‌های گفتار را بررسی نمود. در ادامه مؤلفه‌های گفتار در مناظرات منتخب واکاوی و تحلیل و به بازسازی فضای صدور پرداخته خواهد شد.

۱-۷. مکان - زمان

یکی از مؤلفه‌های اصلی در نظریه گفتار باختین مؤلفه مکان و زمان است و بازتاب زمان و مکانی در تشکیل یک گفتار نقش دارد.

در مفهوم کلی مؤلفه‌های مکان و زمان در منطق گفتگویی به معنای صدای زمانه در متن است. صدای عصر و شرایطی که ادیب، شاعر، گوینده یا نویسنده در آن زندگی می‌کنند و به معنای عدم اجتناب و فاصله آفریننده متن از زمانه خویش است (ستاری - مجیدی، ۱۳۹۹، ۱۲۷) و متونی که دارای ویژگی گفتگومندی باشند، بحث مکان و زمان زندگی جامعه خود را مشخص می‌کنند (نامورمطلق، ۱۳۷۸، ۴۰۹).

بیشترین مناظرات امام صادق (ع) و ابن ابی العوجاء با توجه به متن مناظرات در زمان مراسم حج و در مسجد الحرام صورت گرفته، زمانی که اجتماع مسلمانان از جاهای مختلف در آن مکان حضور داشته باشند. امام در بین مسلمانان به انجام مناظره پرداخته‌اند. لذا حضور جمع کثیر مسلمانان در گرد امام در شکل‌گیری گفتار ایشان نقش بسزایی داشت. با توجه به اسامی که در کنار اسم ابن ابی العوجاء ذکر می‌شود، مشخص است که به غیر از او، افراد دیگری که از لحاظ فکری به او نزدیک بوده‌اند در آن جمع حضور داشتند و مسلماً تأثیر خود را در نحوه ارائه و گزینش موضوع گفتار امام داشته‌اند. بالعکس برای ابن ابی العوجاء نیز گذشته از امام، حضور جمع مسلمانان همراه با انجام اعمال خاص در تولید گفتار وی نقش اساسی ایفا کرده‌اند. همچنین چون زمان مراسم حج بوده بسیار طبیعی است که آغاز سخن و یا پرسش و پاسخ امام و ابن ابی العوجاء پیرامون این مسأله باشد. لذا موضوع مورد مناظره بین امام و ابن ابی العوجاء تحت تأثیر مکان و زمانی که در آن قرار گرفته‌اند، حج انتخاب شده است.

از قرائت آیه «لا جدال فی الحج» توسط امام، این نکته به ذهن می‌رسد که زمان این مناظره در سه روز مناسک حج از روز یوم الترویبه به بعد بود، چرا که در این زمان جدال در حج جایز نیست. لذا زمان نقش خودش را در تولید آوای مخالف توسط گوینده در جهت رد درخواست شنونده نشان می‌دهد. با توجه به نقش این دو مؤلفه باید گفت که امام بسیار واضح صدای زمانه و مکان ایراد مناظرات را در گفتارش بازتاب می‌داد، چرا که ارائه مباحث حج و اشاره به فلسفه و آیین و مراسم آن، همچنین آفرینش کعبه و نحوه خلقت

آن کاملاً بیانگر شرایط انجام مناظرات است که اشاره به بازتاب نقش مکان و زمان در تولید آواهای مدنظر است و مناظرات از بطن شرایط حکایت می‌کنند. بعلاوه ادامه بحث به سمت توحید و صانعیت خداوند در جهت مقابله با آوای متعارض مادیگران در آن زمان بود که در هیچ مکانی از ارائه آن خودداری نمی‌کردند.

۷-۲. گوینده - مخاطب - موضوع

وجود گوینده و مخاطب مهمترین قسمت نظریه گفتار باختین است. وی حضور مخاطب و گوینده را در یک مکان، اجتماع می‌داند که با حضور این دو، نخستین شرط تشکیل گفتار تحقق می‌یابد. باختین از گوینده یا گویندگان و مخاطب یا مخاطبان به عنوان هم‌سخنان ذکر می‌کند که حضور هر دو برای تولید گفتار الزامی است. این قسمت مبنای اصلی نظریه باختین را تشکیل می‌دهد که شامل سه مؤلفه فرستنده، پیام و گیرنده است. از نظریه فرستنده دائماً در حال ارسال پیام به گیرنده است. در مناظرات ذکر شده، گوینده یا امام صادق علیه السلام است و یا ابن ابی العوجاء و یا دوستان و هم‌فکران ابن ابی العوجاء و بالعکس، جای گوینده و شنونده یا مخاطب در هر سخن عوض می‌شود.

هر یک از دو طرف مناظره یکدیگر را می‌شناسند و با توجه به شناخت و دانش زمینه‌ای که از قبل نسبت به یکدیگر دارند، به انتخاب موضوع و انتخاب واژگان و حتی القاب می‌پردازند. گذشته از مخاطب مورد نظر، حضور اجتماع عظیم مسلمان و یا حتی حضور افراد غیرمسلمان در تولید آوای گویندگان مناظره نقش دارد و سهمی از گزینش موضوع گویندگان را به عهده می‌گیرد.

آواهای مختلف رقیب مخاطبان باعث موضع‌گیری‌های ایدئولوژیکی متنوعی می‌شوند و می‌توانند بدون داوری و به طور مساوی در گفتگو درگیر و در انتخاب موضوع تأثیر بگذارند (مقدادی، ۱۳۹۳، ۴۵۲).

اما گفتار، از سویی ناظر به گوینده است و شناسایی گوینده و افق ایدئولوژیک او را در پی دارد. امام به عنوان رهبر دینی و فردی که همه ایشان را به عنوان عالم قبول

دارند، در گفتار خود - با وجود این که مهارت و توانایی بالایی در استدلال دارد و در مناظره طرف مقابل را مغلوب می‌سازد - جانب ادب را رعایت کرده و در هر صورت بحث هدایت و روشننگری را پی می‌گیرد که در گفتارشان مشخص است. همچنان که حضور انواع مخاطبان سهم خود را در گفتار امام نشان می‌دهد. ایشان با توجه به جمعیت مسلمانان با میزان درجه ایمان و علم متفاوت و طبقات گوناگون و از طرفی حضور افراد ملحد و مادّی‌گرا که هر ساله در مسجد الحرام هنگام مراسم حج به بهانه‌های مختلف حضور پیدا می‌کردند، محور سخنان خود را کعبه - یعنی پایگاه دائمی توحید - قرار داده و در ادامه با رویکرد مکالمه‌گرایی و به سخن واداشتن مخاطب، به ارائه مباحث توحید و یگانه پرستی پرداخته‌اند، به گونه‌ای که منطق گفتار ایشان ناظر به همه مخاطبان باشد و آوای همه آنان را دربرگیرد، هر یک را به طریقی درگیر با این مکالمه کند. این مناظرات و گفتار امام را می‌توان پیام تلقی کرد، پیامی دینی، سیاسی و فرهنگی که به سوی همه گیرندگان حاضر ارسال می‌شود. از طرفی همه شنوندگان و گیرندگان سهم خود را در ایراد گفتار امام دریافت می‌کنند، چرا که ایشان یا در مقام پاسخ دادن به سؤال یا به ایراد سخن برای روشننگری در راستای مغلوب ساختن گفتمان مقابل و برجسته‌سازی گفتمان توحید و اسلام هستند. حضرتش با توجه به شناخت عقاید ابن ابی العوجاء و گسترش پدیده الحاد در جامعه آن روزگار، بحث را به سمت مباحث توحید و خداشناسی می‌کشاند و سعی در رفع شبهات به وجود آمده برای همه مخاطبان با آوای گوناگون دارند.

لذا در اینجا نقش مخاطب یا مخاطبان در جهت شکل‌گیری گفتار گوینده به وضوح مشخص است و این ارزیابی شخصیت مخاطب و فضای حاکم بر گفتمان حاضر، خود پیشاپیش موضوع گفتار را برای گوینده تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در همین قسمت بحث دو وجهی بودن گفتار نیز عیان می‌شود. گفتار متأثر از بافت و منحصر به فرد است، لذا حضور نوع مخاطب و فضای حاکم بر گفتگو در تولید گفته مؤثر است و حادث بودن گفتار تحت شرایط ثابت می‌شود.

۷-۳. حد و مرز و کمال درونی

دو ویژگی دیگری که باختین برای گفتار مشخص کرده وجود حد و مرز و کمال درونی یک گفته است. تمامی گفتارهایی که در طول مناظره امام و ابن ابی العوجاء رد و بدل شده است دارای حدود مشخص است و اولین راه شناخت آن تکمیل واژگان سخن و تکمیل معناست. جملات به صورت کامل مطرح شده و هر کلمه در جای خود قرار گرفته همچنان که معنا نیز همزمان با تکمیل جمله کامل شده است و هیچ نارسایی ندارد. تغییر مداوم گویندگان فعال در مناظره و جابه‌جایی نقش گوینده و مخاطب، حکایت از مشخص بودن حد و مرز سخن و گفتار هر یک از طرفین دارد. این‌که امام بلافاصله بعد از پرسش ابن ابی العوجاء به ارائه جواب می‌پردازد و یا این‌که با مطرح کردن پرسش از او، سخن خود را تمام کرده و منتظر پاسخ می‌ماند، این رفت و آمد گفتگو برای هر یک از فاعلان گفتگو مرزبندی مشخصی دارد و آوای هر یک در سر جای خود در این تعامل قرار می‌گیرد. توجه به این نکته ضروری است که امام بدون این‌که وارد استدلال طولانی با طرف مقابل شود با طرح پرسش از وی و با توجه به سخنان و پاسخ مخاطب، او را محکوم می‌کند. این موضوع علاوه بر این‌که حاکی از طرز استدلال امام و زبردستی ایشان نسبت به طرف مقابل است نشان دهنده استفاده امام از گفتار ساده و کوتاه و عدم استفاده از استدلال‌های پیچیده و غیرعادی است که برای همه حضار محسوس و قابل درک باشد و در عین حال پیام مورد نظر توسط مخاطبین دریافت شود. لذا هر گفتار هر چند ساده و یا کوتاه چون که از حد و مرز درونی و تکامل برخوردار باشد می‌تواند نقش خود را جریان یک مکالمه بازی و گوینده را به هدف مورد نظر در رساندن پیام موفق سازد.

باختین سه راه برای شناخت کمال درونی گفتار نام برده که در مناظرات دیده می‌شوند. مناظرات هم از نظر شکل نوعی گفتار کامل بوده و هم به موضوع مورد نظر کامل پرداخته‌اند. از طرفی مقصود گوینده نیز از ایراد سخن به تحقق پیوسته و این مورد در گفتار رد و بدل شده به وضوح قابل دیدن است. لذا فرایند تولید گفتار هم از نظر زبان‌شناسی و هم معناداری و هم رسیدن به هدف که بیان مقصود گوینده است کاملاً شکل گرفته است.

۴-۷. بینامتنیت

ویژگی مهم و بنیادی دیگری که باختین در منطق گفتگویی بسیار روی آن تأکید دارد، روابط بینامتنی است که بین یک گفتار و گفتارهای قبل می‌تواند وجود داشته باشد. هر گفتار ناظر به گفتارهای از قبل تولید شده است و آوایی از آن‌ها با خود دارد. این یک امر اجتناب‌ناپذیر و دائمی در فرایند تولید یک گفته یا سخن است.

مراد باختین از گفتگویی بودن متن در ابتدا این است که یک متن با متون و آثار قبل و بعد خودش امکان و توانایی گفتگو را داشته باشد، زیرا زمینه مکالمه بدون مرز است. ویژگی گفتگویی بودن متون و آثار بیانگر این است که این آثار و متون به صورت لحظه‌ای و آنی و بدون سابقه و در خلأ به وجود نمی‌آیند و خلق نمی‌شوند بلکه در پیوند و تعامل با آثار قبلی و پیشین خود آفریده می‌شوند و بر آثار بعد از خود تأثیر می‌گذارند (لطیف‌پور و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۰۲).

در این مناظرات هر دو طرف مناظره در گفتار خود از متون یا گفتارهای پیشین استفاده کرده و نقش آن در شکل‌گیری گفتار جدید مشخص است. امام نیز از این امر در جهت تقویت آوای خود بهره‌جسته‌اند، گاهی این امر با ارجاع و یا استناد به آیه‌ای از قرآن کریم است. به عنوان نمونه امام در توضیح صفات خداوند به آیه «تَمَحَّنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق: ۱۶) اشاره می‌کند و آفرینش سخن خود را با آوای کتاب مسلمان قرین ساخته و محور و معیار گفتار خود را نشان می‌دهد و از این طریق پیوند خود با قرآن را یادآوری کرده و در جهت تقویت استدلال خود از آن بهره می‌برد در ضمن این‌که با استفاده از این آیه به تقابل با آوای رقیب زمان خویش که بحث عدم صانع و خالق است، می‌پردازد.

همچنین ابن‌ابی‌العوجاء که با سخنان خود سعی در نشان دادن جهان منهای خالق دارد و عدم دیدن خداوند را با چشم سر ملاک این عقیده قرار می‌دهد گفتار خود را بر پایه نظریات الحاد و مادیگری که در آن زمان و حتی قبل از آن وجود داشته استوار می‌سازد، از مثال و ملاک‌های آنان استفاده نموده، دلایل آنان را تکرار می‌کند. آوای الحاد و کفر گروهی خاص را در سخنان خود معیار قرار می‌دهد. لذا حضور متون و گفته‌های موجود از قبل در

ایراد و تولید گفتارهای جدید در مناظره غیرقابل انکار است. هر گفتار به ناچار ردپایی از گفتارهای ماقبل را چه آگاهانه و یا غیرآگاهانه با خود دارد که در شکل‌گیری گفتار مؤثرند.

۵-۷. حالت، آوا، آهنگ

توجه به این مؤلفه‌ها چه در بحث زبانی و چه غیرزبانی و بافت تأثیر زیادی در بازسازی فضای تولید گفتار دارد. باختین کارکرد اجتماعی زبان و محتوا را هم‌سنگ و برابر با جنبه‌های زیبایی‌شناسی و زبان اثر با اهمیت می‌داند (پاینده، ۱۳۹۲، ۱۲) و باید حتماً به آن توجه کرد. این‌که امام بیشتر مناظره و سخن خود را به ایراد سؤال پرداخته و یا از افعال پرسشی در شکل‌گیری زبانی گفتار استفاده کردند نشان از غلبه و برتری تفکر و گفتمان ایشان است.

از سوی دیگر علاوه بر مباحث زبان‌شناختی نوع کنش و حالتی که امام از مخاطب خود دریافت کرده‌اند فضای این برتری و غلبه را عیان می‌سازد. این‌که پایان بسیاری از مناظرات با سکوت، تحیر یا تعجب و شگفتی ابن‌ابی‌العوجاء - یکی از سران و بزرگان الحاد- به جای گفتار همراه بود یا برخاستن و ترک کردن صحنه به جای ادامه گفتگو از سمت وی، تداعی‌کننده فضای گفتگویی مناظرات است که مخاطبان را به سوی آوای امام جذب نموده و امام را در به چالش کشیدن طرف مقابل و آگاهی ساختن مخاطبان موفق نشان می‌دهد. لذا توجه به حالات روانی و یا حتی جسمانی طرفین در مناظره و گفتگو به عیان ساختن فضای تولید مناظرات ضروری به نظر می‌رسد. کما این‌که توجه به این حالات فهمی کامل‌تر از متن و گفتمان غلبه را به همراه خواهد داشت و نشان از عدم پشتوانه عقلی و استدلالی مادیران دارد که در مقابل گفتمان امام عقب‌نشینی کرده و یا دست به اقرار و اعتراف زده‌اند.

باختین گفتار را یا به سوی موضوع و یا به سوی شنونده می‌داند. زمانی که امام با پرسش از ابن‌ابی‌العوجاء سخن خود را آغاز یا ادامه می‌دهند گفتارشان ناظر به موضوع سخن در حال گفتگو است. پرسش یکی از مهم‌ترین ارکان برای تداوم یک گفتگو محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۷۸، ۹۳)؛ اما آن هنگام که به بیان مباحث توحید و وجود صانع می‌پردازند گفتارشان ناظر به

شنونده است چرا که با توجه به عقاید و روحیات طرف مقابل این نوع سخن گفتن و مضامین را برمی‌گزینند و این رابطه از آهنگ گفتار مشخص خواهد شد.

۸. نتیجه‌گیری

نظریه گفتگومندی باختین به عنوان یک مدل و الگو برای تحلیل و فهم بهتر متون کارآمد است. استفاده از روش‌های جدید در خوانش متون کهن و دینی در فهم جامع‌تر این متون کمک می‌کند. بررسی مؤلفه‌های گفتار و در نظر گرفتن هر یک در شکل‌گیری یک سخن، بازسازی بافت و موقعیت فضای تولید سخن را در دل تاریخ در پی دارد و تعمیق فهم سخن را منجر می‌شود.

با بررسی که صورت گرفت هر یک از مؤلفه‌های گفتار باختین در مناظرات امام با ابن ابی‌العوجاء نقش خود را نشان می‌دهد و به آشکار ساختن آواهایی جدید که خود را در متن و حاشیه مناظره پنهان کرده‌اند، می‌پردازد. زمان انجام مراسم حج و حضور خیل مسلمانان و غیرمسلمانان در مسجد الحرام در ایراد سخنان و گفتار امام سهمی ویژه دارد و عموماً آغازگر این سخنان در مورد حج و مسائل مرتبط با آن است.

نقش مکان و زمان در انتخاب موضوع برای گوینده و حضور انواع مخاطبان با رویکردهای متنوع در مقابل گوینده، در نحوه گفتار و انتخاب موضوع وی تأثیرگذار است. همچنین گوینده با توجه به پیش‌فرض‌های خود و انواع آواهایی که با خود دارد به ایراد سخن پرداخته که نقش مؤلفه بینامتنیت را پویا نشان می‌دهد. نوع آهنگ و حالت سخن و همچنین انتخاب جملات پرسشی یا خبری نیز در کنشی که گوینده از مخاطب دریافت می‌کند مؤثر است.

فهرست منابع

- قرآن کریم
 ابن‌الندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶ش)، *الفهرست*، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر، ص ۶۰۱.
 ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸ق)، *البدایه و النهایه*، تحقیق علی شیری، بیروت: داراحیاء التراث العربی،

ص ۱۲۱.

- احمدی، بابک (۱۳۷۸ش)، ساختار و تاویل متن، تهران: نشر مرکز، ص ۹۳.
- انصاری، مسعود (۱۳۸۲ش)، دموکراسی گفتگویی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ص ۱۱
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۹۸م)، انساب الاشراف، تحقیق محمود الفردوس العظم، دمشق: دارالیقظه العربیه، ص ۱۰۶ و ۹۶.
- پاینده، حسین (۱۳۹۲ش)، گشودن رمان، تهران: نشر مروارید، چاپ اول، ص ۱۲.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۷۷ش)، منطق گفتگویی میخائیل باختین. ترجمه داریوش کریمی. تهران: نشر مرکز. چاپ اول، ۸۱ الی ۱۱۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی، سازمان لغت نامه، ذیل واژه.
- رفیعی، علی (۱۳۸۶ش)، امام صادق و اصلاحات فرهنگی، فصلنامه پیام، شماره ۸۵، صص ۶۷-۸۴.
- رفیعی، علی (بی تا)، تاریخ اسلام در عصر امامت امام صادق و امام کاظم علیهما السلام، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ص ۴۱.
- ستاری الهه، مجیدی حسن (۱۳۹۹ش)، نقد و بررسی خطبه قاصعه نهج البلاغه در پرتو نظریه منطق گفتگویی باختین، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال هشتم، شماره ۹، صص ۱۱۷-۱۳۱.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۹۹۸م)، امالی مرتضی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالفکر العربی، چاپ اول، ص ۱۲۸.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۶۲ش)، مجمع البحرین، تحقیق احمد الحسینی، تهران: نشر مرتضوی، ذیل واژه.
- عظیم زاده طهرانی، طاهره (۱۳۸۵ش)، ابن ابی العوجاء و امام صادق، فصلنامه تاریخ اسلام، سال هفتم شماره ۲۸، صص ۸۱-۱۰۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، صص ۷۵-۷۸.
- لطیف پور، عبدالله و همکاران (۱۳۹۶ش). منطق گفتگویی و چند صدایی در رمان «گورستان غریبان» ابراهیم یونس، فصلنامه زبان و ادب فارسی، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۹۸-۱۲۳
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، سیری در سیره ائمه اطهار، تهران: صدرا، چاپ سی و سوم، ص ۱۳۱.
- مفضل بن عمر (بی تا)، توحید المفضل، تحقیق کاظم مظفر، قم: نشر داوری، چاپ سوم، ص ۴۱ و ۴۰.
- مقدادی، بهرام (۱۳۹۳ش)، فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، تهران: فکر روز، ص ۴۵۲.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۷۸ش)، باختین گفتگومندی و چند صدایی؛ مطالعه پیشابینامنتیت باختینی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۷، سال ۱۹، صص ۱۶۶-۱۸۸